

دکتر فرنوش جاراللهی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

برقراری ارتباط براساس نوع و دلیل نیاز ارتباطی، به طرق مختلفی صورت می گیرد مانند: شنیداری، شفاهی، لبخوانی، نوشتاری، علائم و اشارات. هر فردی به تناسب میزان توانایی های خود در برقراری ارتباط با دیگران از یک یا چند تا از روش های فوق استفاده می نماید. ناشنویان / کم شنوایان، بواسطه آسیب در سیستم شنوایی شان قادر نیستند که بطور کامل فقط از طریق روش شنیداری-کلامی که افراد شنوا استفاده می کنند ارتباط سالمی را به کار گیرند، به همین دلیل می بایست از روش های ارتباطی دیگر نیز بهره مند شوند. برخی معتقدند که استفاده از شیوه های ارتباطی غیر از شیوه شنیداری- کلامی ، افراد ناشنوا را تنبل کرده و دیگر نمی توانند خوب گوش کنند یا از کلام خود استفاده نمایند؛ اما تحقیقات مختلف و متعددی نشان داده که این ادعا درست نیست و اتفاقاً منجر به درک ناقص مطالب در برقراری ارتباط توسط فرد ناشنوا می گردد. پژوهش های دیگر نیز نشان داده اند که تنها استفاده از روش شفاهی (لبخوانی) به دلیل اینکه همه اجزاء زبان بطور کامل بر روی لبها ظاهر نمی شود، خود می تواند منجر به عدم دریافت کامل پیام گفتاری گردد. مشکل اصلی ناشنویان برقراری ارتباط نیست بلکه دغدغه خاطر آنها، ارتباط با افراد شنوا است. افراد ناشنوا / کم شنوا از نظر میزان و نوع آسیب به سیستم شنوایی شان گروه ناهمگنی هستند از این رو همه آنها نمی توانند گفتار را از طریق شنوایی خوب درک کنند یا لبخوان های خوبی شوند. اما زبان اشاره چطور؟

زبان اشاره نوعی روش برقراری ارتباط می باشد که انواع مختلفی داشته و در آنها از حرکات دست، صورت یا سایر حرکات بدن به حالت سه بعدی استفاده می شود. بطورکلی دو نوع زبان اشاره وجود دارد که تفاوتشان در نوع استفاده از نشانه های زبان های معمولی است. در برخی از زبان های اشاره کلمات از طریق علائم و ترتیب آنها از الگوی زبان های معمولی پیروی می کنند مانند انگلیسی و فرانسوی؛ درحالیکه در برخی زبان اشاره های دیگر از کلمات و نظام دستوری خاص خودشان برای تولید جملات استفاده می شود مانند زبان اشاره امریکایی و بریتانیایی.

با پژوهش های متعددی امروزه ثابت شده که ناشنویان اشخاصی با فرهنگ و آگاهی از زبان آنها اشاره و فرهنگ آنها، فرهنگ ناشنوایی است که از نظر شهروندی می بایست افراد شنوا به آنها احترام بگذارند. این تصور که ناشنویان با استفاده از سمعک یا کاشت حلزون درمان شده، می توانند کامل بشنوند و با گفتاردرمانی تکلمی همچون افراد شنوا خواهند داشت، کاملاً نادرست است. ناشنویان ابزار نیرومند و کارآمدی به نام زبان اشاره دارند. همچنین نیازمند زبان نوشتاری برای خواندن، تحصیل، شغل، مکاتبات، بیان احساسات و ... هستند. یادگیری و استفاده از زبان اشاره نه تنها بر فراگیری گفتار تأثیر منفی نمی گذارد بلکه روند آن را تسهیل کرده و منجر به شکل گیری تئوری تفکر و اندیشه کامل می گردد.

از نظر تاریخی تا دهه ۱۹۷۰ برخی نظریه پردازان، زبان اشاره را زبان واقعی در نظر نمی گرفتند. چنین نگرشی درواقع بازتاب تعصب بسیاری از افراد شنوا نیز بود. این تعصب اولیه درمقابل اشاره، ریشه در درک نادرست از ماهیت زبان داشت. تا وقوع انقلاب ذهن گرایانه در زبانشناسی که پیشگام آن چامسکی در دهه ۱۹۶۰ محسوب می شود، زبان عمدتاً در یک برداشت رفتارگرایانه با گفتار برابر درنظر گرفته می شد. با ظهور ذهن گرایی، زبان نوعی دانش ذهنی فرض شد که به رغم وجود رابطه، از نمود فیزیکی آن در قالب گفتار مستقل است. این همان تمایز مفهومی بود که پژوهشگران زبان اشاره به آن نیاز داشتند و درنتیجه به مرور کاربران زبان اشاره نیز مانند سخنگویان، دارای زبان درنظر گرفته شدند هرچند که از موهبت گفتار برخوردار نبودند. کاربران زبان اشاره اعتماد و غرور خود را بدست آوردند و احساسات خود را به شکل گسترده ای با عموم مردم تبادل می کردند. دیگر، ناشنویان و خانواده هایشان مانند گذشته از به کار بردن زبان اشاره شرمند نمی شدند. براین اساس، امروزه در بسیاری از کشورهای جهان برای ناشنویان / کم شنویان از زبان اشاره در مراکز آموزشی، در برنامه های تلویزیونی و مراسم مهم و حتی در مداخلات توانبخشی شنوایی زودهنگام برای نوزادان کم شنوا استفاده می شود. توماس گالودت که کالژی را برای تحصیل ناشنویان در امریکا تأسیس نمود در بوجود آمدن زبان اشاره امریکایی اولیه نقش مهمی داشته است مانند نام مرحوم جبار باغچه بان در ایران.

در ایران علیرغم وجود کاربران زیاد زبان اشاره و استفاده از این زبان در محدود برنامه های تلویزیونی برای ترجمه زبان گفتاری، پذیرش جامعه شنوا و دست اندرکاران در به رسمیت شناختن زبان اشاره فارسی متأسفانه هنوز صورت نگرفته است. علیرغم آنکه زبان اشاره همانند همه زبان های دیگر گرامر خاص خود را دارد و همواره درحال تغییر و تحول است، اما درباره آن، ناآگاهی های زیادی وجود دارد که موجب تصمیم گیری های اشتباه درباره آموزش ناشنویان شده است؛ ازجمله: عدم استفاده از این روش در توانبخشی شنوایی، ادغام مدارس ناشنویان و کم کردن حجم و محتوای کتاب های درسی و ...

همواره باید بخاطر داشت که روش های آموزشی یکسانی را نمی توان برای افراد / کودکان / بزرگسالان / بکار برد. ناشنویان لازم نیست شبیه افراد شنوا شوند. عادی سازی درست نیست. حضور دانش آموز ناشنوا در جمع هم سالان شنوا، او را با فرهنگ شنوایان آشناتر کرده و مهارت لبخوانی و گفتار را بهبود می بخشد اما از نظر روانشناختی باعث از دست رفتن دوره کودکی و نوجوانی می شود. همچنین او را از تحصیل به زبان خود محروم ساخته و رشد توانایی های ذهنی و زبانی او را متوقف می سازد. جهت پیشگیری از این عوارض می بایست ناشنویان ضمن استفاده از زبان اشاره برای برقراری ارتباط، افراد شنوا نیز به این زبان مسلط شوند تا علاوه بر امکان ارتباط فرد نا شنوا / کم شنوا با کم شنوایان دیگر، با افراد شنوا نیز امکان پذیر باشد، ضمن آنکه کم شنوایان نیز به زبان گفتاری مجهز می شوند.

نادیده گرفتن زبان اشاره به معنی نادیده گرفتن حق آموزش و تحصیل و ارتباط برای ناشنویان / کم شنوایان است. برای یادگیری زبان دوره حساس از بدو تولد تا سه الی پنج سالگی وجود دارد. از این رو می بایست به کودکان ناشنوا / کم شنوا از بدو تولد زبان اشاره آموزش داده شود تا در دوره بزرگسالی در مسیر استقلال فردی و اجتماعی دچار مشکل نشود. به همین جهت امروزه در کشورهای پیشرفته از زبان اشاره در مداخلات توانبخشی شنوایی زودهنگام استفاده می شود.

از آنجا که اغلب کودکان ناشنوا والدین شنوا دارند، این کودکان چندان در معرض زبان اشاره قرار نمی گیرند و فراگیری این زبان به تأخیر می افتد. در نتیجه سیر عادی تکامل زبان همچنین سایر جنبه های ذهنی را مختل می کند. به همین جهت آشناسازی والدین شنوا با فواید یادگیری زبان اشاره بسیار حائز اهمیت است.

از این رو انتظار می رود که در جامعه ایران:

دست اندرکاران امور ناشنویان از طرح های مداخله زودهنگام برای نوزادان ناشنوا / کم شنوا که در آن از زبان اشاره برای برقراری ارتباط استفاده می شود، حمایت نمایند.

زبان اشاره در آموزش های ناشنویان در مهد کودک ها و مدارس به رسمیت شناخته شود.

به کودکان شنوا در مهد کودک ها و مدارس، زبان اشاره یاد داده شود.

محتوای درسی کتاب های ناشنویان کم نشود، بلکه سطح سواد آنان بالا برده شود.

PDF Compressor Free Version
افراد شنوای جامعه بدانند افراد ناشنوا مثل پرنده با بال شکسته نمی‌توانند پرواز کنند. ما نیاز به دلسوزی نداریم. می‌بایست برای آنها همه تکنولوژی‌های کمک شنوایی و کمک آموزشی را استفاده نمود تا آنها نیز بتوانند همچون افراد شنوا از حق مستقل زیستن در جامعه بهره‌مند شوند.

ناشنوایان، دوزبانی دوفرهنگی هستند و برای سلامت روانی و توانایی‌های اجتماعی می‌بایست علاوه بر دوستان شنوا، دوستان ناشنوا نیز داشته باشند.

والدین می‌بایست فرزند ناشنوای خود را همچون یک کودک دوست داشته باشد نه اینکه ناشنوایی او تصویر ذهنی‌شان باشد.

کودکان ناشنوا را می‌بایست با اعتماد به نفس، قوی، مستقل و اجتماعی تربیت کرد.

استفاده از زبان اشاره در آموزش کودکان ناشنوای ایرانی همچون کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود.

ناشنوایان عزیز کشورمان سعی کنند از تمامی امکاناتی که برای آنها اختراع شده استفاده کنند؛ اعم از روش‌های ارتباطی، تجهیزات کمک شنوایی و کمک ارتباطی، خدمات توانبخشی شنوایی و ...

از تکنیک‌های روانشناسی بهره‌گیرند و بر روی سلامت روان خود بویژه افزایش اعتماد به نفس و بهره‌وری خود کار کنند، در شناساندن نقاط قوت خود تلاش نموده و اطمینان داشته باشند که آنها نیز همچون شنوایان، ارزشمند بوده و شایسته بهترین‌ها در زندگی فردی، تحصیلی و اجتماعی هستند.